

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
An Analysis of the Dimensions and Characteristics
of Popular Architecture in the Contemporary Era
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

واکاوی ابعاد و ویژگی‌های معماری عامه‌پسند در دوره معاصر*

مجید منصورپور^۱، قاسم مطلبی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

۲. دانشیار، گروه معماری، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۶

چکیده

بیان مسئله: تحولات اجتماعی، جمعیتی و رشد روزافزون فناوری‌های جمعی، سبب شکل‌گیری فرهنگ توده شهری و گرایش به سمت استانداردسازی، اشتراک گسترده باورها، ارزش‌ها و سلیقه‌ها شده است. این استانداردها سبب می‌شود هنر و معماری عامه‌پسند پاسخی قابل درک که مورد قبول اکثریت است، ارائه دهد. این پژوهش با تأکید بر شناخت ماهیت معماری عامه‌پسند، جهت پاسخ به این سؤالات است که: معماری عامه‌پسند چیست؟ چه ابعاد و ویژگی‌هایی برای معماری عامه‌پسند تعریف می‌شود؟

هدف پژوهش: هدف این مطالعه، تعریف «معماری عامه‌پسند» به‌خصوص در دوره معاصر و شناخت ویژگی‌ها، ابعاد و مؤلفه‌های معماری عامه‌پسند در سطح بین‌المللی و داخلی است.

روش پژوهش: روش این پژوهش مرور نظام‌مند است. از این‌رو ۱۰۳ پژوهش مرتبط با موضوع در هفت پایگاه خارجی و دو پایگاه فارسی جست‌وجو شد. دو متخصص، پژوهش‌های جست‌وجو شده را براساس ارتباط داشتن عنوان، چکیده و محتوا ارزیابی کردند و در نهایت ۳۳ مقاله مرتبط با پژوهش انتخاب شده است. **نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش حاکی از آن است که خصلت‌های معماری عامه‌پسند در قالب ده مقوله توجه به تأیید عامه، تظاهر اجتماعی، اشاره‌گرایی سبکی، عدم بیان هویت مشخص، بیان نوگرایانه قابل درک، جذابیت بصری، معنایی، احساسی- عاطفی، مصرف‌گرایی و مدرگرایی بیان می‌شود. این مقوله‌ها در قالب پنج مقوله اصلی (بعد)، فرهنگی- اجتماعی، تاریخی- هویتی، زیبایی‌شناسانه-کالبدی، معنایی- احساسی و همچنین اقتصادی تعریف می‌شود. عمده ویژگی‌های این جریان معماری، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم متأثر از بعد زیبایی‌شناسانه-کالبدی است. در این راستا، بیان معماری عامه‌پسند، عمدتاً در ظاهر نوگرا و دارای جذابیت بصری برای مخاطب عامه است و با کمک ویژگی‌هایی مانند بیان نوستالژیک گونه و تاریخ‌گرایانه بیان می‌شود.

واژگان کلیدی: معماری عامه‌پسند، عامه، مصرف‌گرایی، معماری پاپ، معماری کیچ.

مقدمه

تحولات دوره معاصر، باعث شکل‌گیری تقسیم‌بندی جدیدی و واضح‌تر از قرون گذشته در جایگاهی بین مردم و نخبه‌گرایی شده است (Novitz, 1989). در نتیجه این تقسیم‌بندی، تفکیک بین آثار عالی و عامه‌پسند اهمیت پیدا کرده است. تجلی این تحولات در معماری، شکل‌گیری نوعی معماری جدید با توجه به سلايق گروه‌های توده شهری

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «مجید منصورپور» با عنوان «واکاوی معماری عامه‌پسند در نمای مسکونی میان‌مرتبه شهر تهران» است که به راهنمایی دکتر «قاسم مطلبی» در سال ۱۴۰۳ در دانشکده معماری دانشگاه تهران به انجام رسیده است.

** نویسنده مسئول: motalebi@ut.ac.ir، ۰۹۱۲۲۷۹۰۱۷۹

بوده است. این نوع معماری، با معماری بومی یا سنتی که ارزش‌های گذشته را می‌پذیرد و آن‌ها را تقویت می‌کند (Barber, 1987) متفاوت است. به بیانی، معماری عامه‌پسند در بسیاری از متن‌ها، توسط مورخان، منتقدان و متصدیان برخاسته از فرهنگ پوپولیستی^۱ و توده‌ای^۲ ناشی از انقلاب صنعتی، با عناوین «پاپ»^۳ و «کیچ»^۴ یا به تعبیری دیگر معماری تجاری شده تعریف می‌شود (Winston, 1995). در سوی موافق با این نوع معماری، دیدگاه‌های پست‌مدرنیستی، توجه به مردم یا به بیانی عامه را مهم می‌داند و توجه به اصولی مانند جایگاه افراد و روابط آن‌ها، توجه به ساختارهای اجتماعی، کم‌رنگ شدن نقش عقل به‌عنوان تک روایت در

ارائه دهند، جست‌وجوی هیجان است که از طریق رویکردهایی مانند توجه به تازگی و جدیدبودن، ترکیبات غیرمنتظره، بازی روی فرم‌ها (عناصر و مقیاس‌ها) و... ناشی می‌شود. سدریک پرایس^۱ پروژهٔ تئاتر خود را «قصر سرگرمی»^{۱۰} می‌نامد و از سوی دیگر ونتوری^{۱۱} به لاس‌وگاس^{۱۲} به‌دلیل تحریک‌های اغراق‌آمیز آن علاقه دارد (ibid.).

دیگر عبارت مصطلح در مورد معماری عامه‌پسند، کیچ است که زائیدهٔ عصر انقلاب صنعتی است. در فرهنگ لغات انگلیسی «وبستر»^{۱۳}، کیچ به‌عنوان یک پدیدار زیبایی‌شناسی، تقلید بی‌ارزش و نمود سلیقهٔ بد معرفی می‌شود (Irazabal, 2007). کیچ برای توصیف ساختار و پدیده‌ای که به ذائقهٔ عمومی توجه می‌کند و با ویژگی‌هایی مانند ارزان، قابل خرید، محبوب، قابلیت تولید و مصرف آسان، درک سطحی، بی‌هویت و غیرشخصی (عدم توجه به هویت فردی) و جذاب‌شده (برای انتخاب) برای همهٔ افراد بیان می‌شود (Duzenli et al., 2018). درحالی‌که زیبایی‌شناسی کیچ، قبلاً برای خرده‌فرهنگ و طبقهٔ متوسط، جذاب بوده است، در عصر امروزی که تداوم مصرف‌گرایی تلقی می‌شود، در میان اولویت‌های طبقهٔ سرمایه نیز قرار گرفته و حوزهٔ نفوذ آن افزایش یافته است (Ozler & Kizilelma, 2023). «کولکا»^{۱۴} معتقد است معماری و هنر پاپ از کیچ استفاده کرد اما (عمدتاً) کیچ تولید نکرد و دلیل عمدهٔ این موضوع آن است که معماری پاپ به جنبه‌های مصرف‌گرا، کمتر از معماری کیچ استفاده کرده است (ibid.). بنابراین معماری عامه‌پسند با معماری پاپ شناخته شده است و با معماری کیچ که بیشتر بر جنبه‌های تقلیدی و مصرف‌گرایانه تأکید دارد، گسترش یافته است و این دو نوع اصطلاح رایج معماری عامه‌پسند دارای اهداف و ویژگی‌های مشترک زیادی هستند. در این پژوهش هر دو اصطلاح در مقولهٔ معماری عامه‌پسند تعریف می‌شود.

پیشینهٔ پژوهش

پژوهشی به‌صورت جامع ابعاد معماری عامه‌پسند را جست‌وجو نکرده است و رویکرد عمدهٔ پژوهش‌ها، معرفی و تحلیل بناهای متأثر از سلیقهٔ عامه است و در حالت دیگر به تفاوت ترجیحات عامهٔ مردم و معماران پرداخته شده است. در پیشینهٔ این پژوهش، دو پژوهش در مورد تفاوت‌های ترجیحات معماران و عامهٔ مردم در سطح بین‌الملل و نتایج دو پژوهش پیرامون موضوع عامه‌پسندی در ایران بیان شده است. فلوست و همکاران (Fawcett et al., 2008) در پژوهشی به‌بررسی ترجیحات عامهٔ مردم و معماران پرداخته‌اند. پژوهش آن‌ها، تفاوت قابل پیش‌بینی بین ترجیحات معماران و افراد عادی را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد، گونه‌ای از معماری که دارای بالاترین رتبه از نظر کاربران عامه است، از معماران نمرهٔ منفی دریافت کرده

کنار ویژگی‌هایی مانند معماری قابل فهم برای عموم و نفی سلسله‌مراتب و انتزاع‌گرایی، تأکید می‌شود. براین‌دین نگرش، سبب رواج نوعی معماری با‌عنوان معماری عامه شده است. درحالی‌که اکثر مردم در جامعه به‌دنبال آثار عامه‌پسند هستند و از آن‌ها لذت می‌برند، در سوی مخالف، برخی از منتقدان و متفکران این آثار را «کم‌ارزش» و «بی‌فایده» می‌دانند (Novitz, 1989).

در عصر حاضر، با توجه به اهمیت گروه‌های عامه و فرهنگ توده‌ای و از آن‌جا که فرهنگ توده‌ای^{۱۵} زائیدهٔ انقلاب صنعتی، شهرنشینی، شکل‌گیری سواد جهانی و تخریب بسیاری از اشکال فرهنگ روزمرهٔ سنتی از نوع ماقبل صنعتی است (Nurnazar & Atabek, 2021)، شناخت ابعاد و ویژگی‌های معماری مرتبط با این گروه‌ها و فرهنگ ضرورت دارد. بنابراین معماری عامه‌پسند به‌واسطهٔ چنین شرایط و نگرشی و تأثیرات آن بر معماری معاصر از جمله زیبایی‌شناختی، اقتصادی، هویتی، اجتماعی و روان‌شناختانه، مهم است. این مطالعه بر آن است چپستی معماری عامه‌پسند را در عصر معاصر کنکاش کند. این‌رو سؤالات این‌گونه است: معماری عامه‌پسند چیست؟ چه ابعاد و ویژگی‌هایی برای این نوع معماری قابل تعریف است؟

• عامه‌پسندی پاپ و کیچ

معماری عامه‌پسند به دو نوع معماری کیچ و پاپ نظر دارد و هر دو نوع معماری عمدتاً ویژگی‌های یکسانی دارند و هدف آن‌ها خوشنودی سلیقهٔ زیبایی‌شناسانهٔ مخاطب عامه و تحریک احساسات آن‌هاست. معماران پاپ ادعا می‌کنند، از تصاویر با‌معنا و قابل شناسایی در آثار و کارهایشان استفاده می‌کنند، که به‌راحتی توسط مخاطبان درک می‌شود. به‌عنوان مثال، شکل یک بطری شیر بزرگ برای بیشتر مشتریان نسبت به فرم‌های با هندسهٔ انتزاعی، جذاب‌تر است. بنابراین معماران پاپ سعی در درک و به‌کارگیری از نمادها، سمبل‌ها و تصاویر (مرتبط با پروژه) دارند و درنهایت تصاویری واضح و تأثیرگذار که به‌راحتی قابل درک باشند، ارائه می‌دهند و مدعی هستند ارتباط واضح با تجربیات مخاطبان در راه‌هایی که به‌سختی توسط سبک‌هایی مانند سبک بین‌الملل قابل فهم است، ایجاد می‌کنند (Wexman, 1971). در حالی‌که معماری مدرن فرض می‌کند «حقیقت» تنها در نتیجهٔ کنترل معمار بر تمام جنبه‌های محیط معماری به‌دست می‌آید، از نظر معماری پاپ، هر حقیقتی در حال حاضر است، در محیط وجود دارد و معمار در انتخاب آن مختار است و می‌تواند هر عنصری را برای هر هدفی که در دست دارد تأکید، اتصال و تحریف کند. چنین تساهلی نشان‌دهندهٔ انحراف از نگرش معماران پیشین مدرن مانند «گروپوس»^{۱۶} و «میس وندروه»^{۱۷} که به‌دنبال ایده‌آل جهانی بودند یا «لوکوربوزیه»^{۱۸} که ایده‌آل خود را بر روی یک مجتمع تحمیل می‌کرد، است (Glass, 1971). در نتیجهٔ این نگرش، یکی از ویژگی‌هایی که معماران پاپ می‌توانند

ماهیت و اهداف پژوهش، روش مرور نظام‌مند^{۱۵} است. مرور نظام‌مند، مروری جامع بر متونی است که به یک سؤال مشخص پژوهشی توجه می‌کند و یک روش سیستماتیک، شفاف جهت شناسایی و انتخاب و ارزیابی نقادانه همه پژوهش‌های مرتبط و همچنین تحلیل داده‌های آن‌هاست (Shannon, 2002). مرور نظام‌مند در این پژوهش در سه گام اصلی است:

۱- راهبرد جست‌وجو: جست‌وجوی اولیه در پایگاه‌های Scopus، Science Direct، Sage، Wiley Online Librally، Jstor، Elsevier، Taylor & Francis و پایگاه‌های SID و نورمگز در طی تیرماه الی دی ماه ۱۴۰۲ انجام شد. همچنین به دو موتور جست‌وجوی «گوگل اسکالر» و «گوگل» نیز جهت تکمیل کار محققین مراجعه شده است. جست‌وجو در منابع با توجه به کلیدواژه از پیش تعیین‌شده انجام شد. کلیدواژه‌ها عبارتند از: معماری مردم‌پسند^{۱۶}، معماری پاپ^{۱۷}، معماری کیچ^{۱۸}، معماری پست‌مدرن^{۱۹}، معماری تجملی^{۲۰}، معماری معمولی^{۲۱}، زیبایی‌شناسی کیچ و پاپ^{۲۲} و ترجیحات معمارانه^{۲۳}.

۲- معیارهای انتخاب مقالات: با در نظر گرفتن هدف پژوهش، حذف موارد غیرمرتبط با پژوهش الزامی به نظر می‌رسید. معیارهای انتخاب براساس حیطه موضوعی مقالات، محتوا، نوع و روش مطالعات تعریف شدند. متن‌هایی که فاقد شرایط مناسب از جمله ارتباط کم با موضوع پژوهش، فقدان جزئیات روش‌شناسی (مانند ابهام در شرکت‌کنندگان، نمونه بررسی شده و...) و ابهام در گزارش نتایج (عدم کفایت اطلاعات مناسب برای تجزیه و تحلیل) بودند، از فرایند بررسی حذف شده است.

۳- خروجی جست‌وجو و ارزیابی کیفیت: در نهایت از پایگاه داده‌های بررسی شده در پژوهش، ۱۰۳ منبع، استخراج شد. مقاله‌های جست‌وجو شده براساس ارتباط داشتن عنوان، چکیده و محتوا با موضوع پژوهش ارزیابی شدند. در نهایت، ۳۳ مقاله براساس نظر متخصص‌ها (دو ارزیاب)، دارای قابلیت بررسی و تحلیل در این پژوهش تشخیص داده شده است. که تعداد ۲۲ مقاله، منتشر شده در بین سال‌های ۲۰۰۰ الی ۲۰۲۳ است (تعداد پنج مقاله آن، از محقق‌های کشور ایران انتخاب شده است) و تعداد ۱۰ مقاله نیز برای دست‌یافتن به منابع اولیه (اصلی) و همچنین اطمینان از پژوهش جامع، در بازه سال‌های ۱۹۶۴ الی ۲۰۰۰ که شروع رواج معماری عامه‌پسند است، انتخاب شده است. عمدتاً این مقالات بیان‌کننده مباحث نظریه‌پردازان شاخص پیرامون معماری عامه‌پسند است که در اوایل دوره رواج معماری پاپ به بحث و تحلیل ماهیت این نوع معماری پرداخته‌اند.

در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل تماتیک^{۲۴} استفاده و از چهارچوب شش مرحله تحلیل تماتیک از دیدگاه «براون و کلارک» پیروی شده است. این مراحل عبارتند از: ۱- آشنایی با داده‌ها (بررسی و مطالعه پژوهش‌های بررسی شده در پژوهش)، ۲- کدگذاری اولیه (استخراج کدهای اولیه از

است. از سوی دیگر، کاربران توجه کمتری به طراحی و مفاهیم معماری آن داشته‌اند و درحالی‌که معماران بر اهمیت ویژگی‌ها و شخصیت هر بنا تأکید می‌کنند، عامه مردم، به شکل توجه دارند. گیفورد و همکاران (Gifford et al., 2002) نیز تفاوت‌های بین معماران و مردم عادی را در تجربه کردن ساختمان‌ها بررسی کرده‌اند. مهم‌ترین نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد، معماران ساختمان‌های اصیل را ساختمان‌هایی واضح و معنادار می‌دانند. درحالی‌که مردم، بیشتر بر صلابت ساختمان برای بیان ساختمان اصیل تأکید می‌کنند و بر فرم ساختمان (گرد بودن، تزئینات و...) تأکید داشته‌اند.

پیرامون معماری عامه‌پسند در ایران و تأثیرات آن، پژوهش‌های محدودی انجام شده است. اکرم حسینی، معماری تهران را به شش گرایش که هر کدام دارای زیر مجموعه‌هایی شامل: ۱- اقتباس از معماری تاریخی، ۲- گرایش مدرن، ۳- گرایش پست‌مدرن، ۴- گرایش فن‌آورانه، ۵- گرایش ساختارزدا و ۶- گرایش عوام‌پسند هستند، تقسیم می‌کند. در توضیح معماری عوام‌پسند با اشاره به کاذب بودن این نوع معماری بیان می‌کند: «این گرایش که از ساده‌ترین و پیش پا افتاده‌ترین سلیقه‌ها و انگاره‌های ذهنی مردم جهت خلق اثر استفاده می‌کند، بر پایه خصوصیاتمانند ریا، تجمل و مصرف‌زدگی شکل می‌گیرد. گرایش عوام‌پسند، گرایشی با پای‌بندی به مدل و شکل خاصی نیست و به دنبال تقلید صرف از سبک‌ها و ترکیب آن‌ها با یکدیگر بدون هیچ قاعده و نظم مشخص است. این تقلیدها بدون هیچ‌گونه خلاقیتی و با چینش فرم‌ها و الگوهای سبک مرده و زنده دوران قبل، خصوصاً آن‌هایی که حس نوستالژیک مصرف‌کننده را برمی‌انگیزد، انجام می‌شود (حسینی، ۱۳۹۰).

تغابنی و صارمی (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر گونه‌شناسی کیچ در بناهای معاصر ایران» به انواع کیچ اشاره می‌کنند. در این پژوهش، محققین نمونه بناها در سه محله تهران شامل محله صادقیه، سعادت‌آباد و الهیه را مطالعه کرده‌اند و نما را به‌عنوان بیرونی‌ترین وجه بنا، با استفاده از شاخصه‌های کیچ، در قالب سه گونه کیچ سبکی، الگویی، مصالح و جزئیات، بیان و دسته‌بندی می‌کنند. براساس نتایج پژوهش ذکر شده، از مهم‌ترین زیرمجموعه‌های کیچ سبکی در معماری ایران، کیچ سنتی (هویتی)، کیچ مدرن، کیچ پست‌مدرن، کیچ آوانگارد و کیچ نئوکلاسیک (نما رومی) است.

روش پژوهش

این پژوهش از بنیان رویکرد کیفی برای پاسخ به سؤالات پژوهش استفاده می‌کند. ماهیت این نوع پژوهش، مستلزم جمع‌آوری نظام‌مند، سازماندهی و تفسیر مطالب است. همچنین محقق بر تعبیر و تفسیر اطلاعات مطالعه‌شده، تأکید می‌کند و به تشریح جزئیات امور می‌پردازد. از این‌رو روش این پژوهش با توجه به

به آن اشاره می‌کند. معماران عامه‌پسند معتقد هستند هر جزء در ارتباط با مردم شکل می‌گیرد و تمام اجزاء برای مردم پرمعنا و منعکس‌کننده فرهنگ و محیط آن‌هاست. بنابراین معماران سعی در بررسی محیط جامعه (که در آن زندگی می‌کنند)، الگوها و چیزهای قابل استفاده دارند و دلیل کارآمدی آن‌ها را از موقعیت‌های پیچیده کشف کنند (Wexman, 1971).

سومین ویژگی معماری عامه‌پسند که در بعد فرهنگی-اجتماعی بیان می‌شود، «توجه و تقویت جایگاه اجتماعی افراد» است که توسط نظریه پردازانی مانند کلافوس (Klaufus, 2015) و همکاران (Islami et al., 2012) تأکید شده است. این ویژگی بیان‌کننده «اثر نمایشی»^{۲۶} در معماری است که در مباحث مرتبط با معماری مسکن به «نردبان مسکن»^{۲۷} شهرت دارد. از این رو افراد جهت کسب جایگاه اجتماعی بالاتر، در تلاش برای ارائه قدرتمندتر از خود هستند. کلافوس «نیاز به دیده شدن»، «تجمل‌گرایی» و «نیاز به تغییر» را سه عامل کلیدی در تقلید و اثر نمایشی می‌داند. برای دیده شدن، استفاده از مواد روشن و براق، طرح‌های رنگی متضاد و اندازه نسبتاً بزرگ خانه‌ها در مقایسه با دیگر خانه‌ها، را بیان می‌کند. در مورد معیار تجمل‌گرایی نیز نمایش عناصر زائد را مهم می‌داند. کلافوس با اشاره به شهر «کوتنکا»^{۲۸} (سومین شهر بزرگ اکوادور) در مورد تغییرات مداوم (معیار سوم اثر نمایشی) رنگی ایجادشده در ساختمان‌های این منطقه می‌نویسد: «جایی که من پژوهش‌های طولانی انجام دادم، خانه‌های تاجران دائماً در پالت‌های رنگی جدید رنگ‌آمیزی می‌شدند که مطابق با آخرین مدها بود» (Klaufus, 2015).

«شخصی‌سازی محیط» به عنوان چهارمین ویژگی بعد فرهنگی-اجتماعی معماری عامه‌پسند، در ارتباط نزدیکی با ویژگی سوم این بعد بیان می‌شود. این ویژگی توسط آتفیلد (Attfield, 2006) و وکسمن (Wexman, 1971) تأکید شده است. با توجه به فردگرایی و کثرت‌گرایی دوره معاصر، مخاطب عامه، خواهان داشتن سهمی از طراحی است. بنابراین شخصی‌سازی و اعمال سلیقه شخصی در این جریان معماری، به‌خصوص با توجه به پیشرفت تکنولوژی توده، نمایش داده می‌شود (جدول ۱).

از بعد تاریخی-هویتی، چهار ویژگی «عدم تأکید بر هویت مشخص»، «عدم ارتباط با زمینه»، «استفاده از عناصر آشنا و تاریخی» و «التقاط سبکی» در قالب دو مقوله فقدان هویت (مفاهیم زیربنایی) و اشاره‌گرایی سبکی قابل بیان است. ویژگی عدم تأکید بر هویت مشخص نیز در مورد فرهنگ عامه، از دید نظر پردازانی مانند «ماد» بیان شده است و آن را (فرهنگ عامه) ایدئولوژی کم‌عمقی^{۲۹} می‌دانند که به راحتی می‌تواند با ایدئولوژی‌های بسیار متفاوت دیگر ترکیب شود (Mudde, 2004). در زمینه معماری نیز، در نتایج پژوهش‌های وانگ و همکاران (Wang et al., 2020)، تروکا و یابلونسکی (Trocka-Leszczynska & Jablonska, 2014)

پژوهش‌ها)، ۳- جست‌وجوی مقوله‌ها (قرارگیری کدهای مشابه و تکراری در یک مجموعه و تشکیل مقوله‌های فرعی)، ۴- بازنگری مقوله‌ها (قرارگیری مقوله‌های فرعی دارای ماهیت مشترک در یک دسته)، ۵- بیان و تعریف مقوله‌ها (نام‌گذاری مقوله‌های اصلی پنج‌گانه معماری عامه‌پسند) و ۶- تهیه گزارش (Braun & Clarke, 2006). در مجموع، ۲۶ کد معماری عامه‌پسند در قالب ۱۰ مقوله (تم) فرعی و پنج مقوله (تم) اصلی دسته‌بندی شده است. در این پژوهش جهت بررسی قابلیت اعتماد و پایایی، ضمن بررسی و مرور دقیق و همچنین تجزیه و تحلیل مناسب داده‌های حاصل از ۳۳ پژوهش انتخاب‌شده، از نظرات سه متخصص آشنا با حیطة پژوهش، در راستای صحت کدگذاری استفاده شده است.

یافته‌ها

با توجه به مرور نظام‌مند پژوهش‌های مطالعه‌شده (بررسی و تحلیل کدهای برداشت شده)، ۲۶ ویژگی برای معماری عامه‌پسند بیان می‌شود. این ویژگی‌ها در قالب ده مقوله و پنج بعد، در ادامه توصیف و تحلیل می‌شوند.

معماری عامه‌پسند در بعد فرهنگی و اجتماعی دارای چهار ویژگی مهم است، که در قالب دو مقوله فرعی «تأیید عامه» و «تظاهر اجتماعی» بیان می‌شود. نخستین ویژگی فرهنگی-اجتماعی این نوع معماری، «مورد تأیید مردم بودن» است (Safdarian, 2020; Maraini, 2020; Trocka-Leszczynska & Jablonska, 2014; Winston & Cupchik, 1992). مدرن به سمت استانداردسازی، اشتراک گسترده باورها، ارزش‌ها و سلیقه‌ها، گروه‌ها و دسته‌بندی‌های مقطعی گرایش دارد (Wilensky, 1964). این استانداردسازی سلیقه، سبب می‌شود معماری عامه‌پسند در پی یافتن پاسخی باشد که به راحتی برای همه قابل درک و مورد قبول است. بنابراین با اهداف معماری آوانگارد که خلاقیت هنرمند و معمار به‌عنوان رکن مهم در پاسخ هنرمندانه و معمارانه است، متفاوت است. معماری عامه‌پسند برای اینکه زمینه و محرکی برای ایجاد حس مثبت باشد، باید فرم‌هایی را که توسط توده‌ها به رسمیت شناخته می‌شوند، بازتولید کند (Trocka-Leszczynska & Jablonska, 2014). روانشناس‌هایی مانند کوندرا^{۲۵}، هدف عامه‌پسندی را جلب رضایت اکثریت می‌دانند. بنابراین مخاطبان آثار عامه‌پسند بیشتر از این موضوع خشنود هستند که آن چیزی که به آن‌ها نمایش داده می‌شود، مورد تأیید و انتخاب عموم مردم است (Winston & Cupchik, 1992).

دومین ویژگی و معیار بعد فرهنگی-اجتماعی معماری عامه‌پسند، «توجه به ارزش‌های معمولی و عامیانه» است که نتایج پژوهش‌های وکسمن (Wexman, 1971)، لبن استیجن و کوپر (Lebensztejn & Cooper, 1981) و صفدریان (Safdarian, 2020)

جدول ۱. ویژگی‌ها و مقوله‌های معماری عامه‌پسند از بعد فرهنگی- اجتماعی. مأخذ: نگارندگان.

| مقوله اصلی | مقوله فرعی | ویژگی (کدها) | توضیحات |
|------------------|---|--|--|
| معماری عامه‌پسند | تأیید شده توسط کاربر و عامه | دموکراتیک و تأیید شده توسط کاربر و عامه | - معماری عامه‌پسند فرم‌های مورد تأیید عامه را بازتولید می‌کند (Maraini, 2020; Safdarian, 2020; Trocka-Leszczynska & Jablonska, 2014). - خشنودی مخاطبان آثار عامه‌پسند کیچ از آن است که آثار در راستای تأیید اکثریت قرار دارد (Winston & Cupchik, 1992) |
| | توجه به ارزش‌های معمولی و سازمان‌داده شده حول فرهنگ کاربر | توجه به ارزش‌های معمولی و سازمان‌داده شده حول فرهنگ کاربر | - معماران پاپ با بررسی محیط جامعه، دلیل کارآمدی چیزها و الگوها را درک و استفاده می‌کنند. تمام اجزاء برای مردم پرمعنا و منعکس‌کننده فرهنگ و محیط آن‌هاست (Wexman, 1971). - معماری پاپ و نتوری ترکیبی از ارزش‌های معمولی با آمیزهای از ظرافت و شجاعت بود (Lebensztejn & Cooper, 1981). - معماران اگر تمایلی به ایجاد خرسندی عامه مردم داشته باشند، دانستن فرهنگ، ارزش‌ها و ترجیحات طراحی آن‌ها ضرورت دارد (Brown & Gifford, 2001). - در آثار عامه‌پسند عمدتاً مسائل پیش‌یا افتاده جامعه مصرف‌کننده، به‌نمایش گذاشته می‌شود (Safdarian, 2020). |
| | تقویت و بالابردن جایگاه اجتماعی | تقویت و بالابردن جایگاه اجتماعی | - کاربرد معماری عامه‌پسند مانند مفهوم نردبان مسکن برای مخاطبان است و نمایش سرمایه‌های نمادین و سمبلیک و ارائه قدرتمند جهت تغییر طبقه اجتماعی فرد است (Klaufus, 2015). - کیچ تداعی‌کننده پیشرفت زیبایی‌شناختی و اجتماعی و نوید پرستی برای مخاطبان است (Islami et al., 2012). - افراد با هدف ارتقا جایگاه اجتماعی از الگوهای مصرف و زندگی طبقات بالاتر کپی‌برداری و تقلید می‌کنند (Fisher, 2004). |
| شخصی‌سازی محیط | شخصی‌سازی محیط | مردم عموماً با ناآگاهی به کیچ‌بودن اشیاء یا مصالح خاص، آن‌ها را در ساختمان‌های خود استفاده می‌کنند که از این طریق دنیای شخصی‌شده‌ای را در خانه خود خلق کنند (Attfield, 2006). معماران پاپ از تکنولوژی جهت بیان کیفیت‌های شخصی‌سازی ساختمان و خاص بودن آن بهره می‌برند (Wexman, 1971). | |



تصویر ۱. مرکز تجاری فروم در کاخ سزار لاس و گاس. مأخذ: <https://www.thelassvegasravelguide.com/shopping/the-forum-shops-at-caesars-palace>

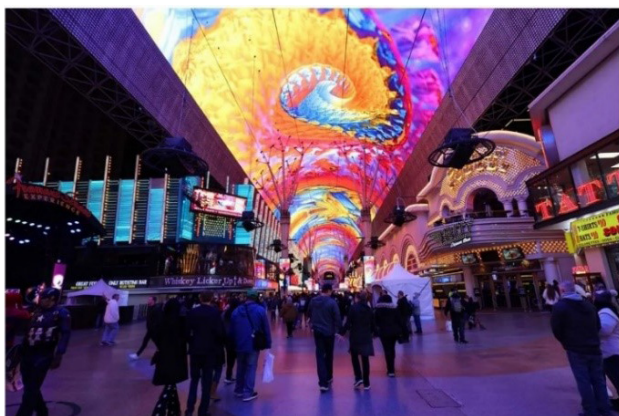


تصویر ۲. نمود معماری عامه‌پسند در راستای محور ورودی هتل داریوش. مأخذ: Kalantar Motamedi, 2014.

صفدریان (Safdarian, 2020) و ایرازابل (Irazabal, 2007) به این موضوع اشاره شده است. وانگ و همکاران معتقد هستند: «معماران جریان عامه‌پسند، ساختار و مفاهیم بنیادین مشخصی را بیان نمی‌کنند و عمدتاً در پی تقلید و استفاده مجدد از هویت و میراث اصیل هستند، بنابراین معماری عامه‌پسند، یک سبک خالص و یکپارچه نیست، بلکه مجموعه‌ای از سبک‌های مختلف تأیید شده توسط مردم است» (Wang et al., 2020). از سوی دیگر در بعد تاریخی- هویتی، ویژگی استفاده از عناصر آشنا و تاریخی» برای این نوع معماری در پژوهش‌های انجام شده توسط صفدریان (Safdarian, 2020)، شایگان‌فر (۱۳۸۷)، آتفیلد (Attfield, 2006) و تروکا و یابلونسکی (Trocka-Leszczynska & Jablonska, 2014) مطرح شده است. صفدریان معتقد است، آثار عامه‌پسند با استفاده یا نمایش عناصر آشنا و تاریخی، مخاطب را نه از طریق پیچیدگی بلکه به دلیل استفاده از عناصر آشنا، جذب می‌کند (Safdarian, 2020). آتفیلد نیز با تأکید بر تجربه زیبایی‌شناسی خاص ایجاد شده در آثار عامه‌پسند، آن را به‌عنوان سبکی از لذت می‌داند که از طریق تجربه مستقیم یک فرم آشنا ایجاد می‌شود (Attfield, 2006). در اکثر مواقع تقلید فرمال و گرت‌برداری‌های سبکی از معماری گذشته انجام می‌شود (تصاویر ۱ و ۲). نمونه شاخص این نوع ارجاعات در شهر لاس‌وگاس با اشاره‌های تاریخی ایتالیا، مصر و ... با همه نمادها و نشانه‌های عمدتاً ظاهری اجرا شده است (جدول ۲).

جدول ۲. ویژگی‌ها و مقوله‌های معماری عامه‌پسند از بعد تاریخی - هویتی. مأخذ: نگارندگان.

| مقوله اصلی | مقوله فرعی | ویژگی | توضیحات |
|------------------------------|--------------------|------------------------------------|---|
| هویت - تاریخی | استاره‌گرایی سبکی | استفاده از عناصر آشنا و تاریخی | - آثار عامه‌پسند پاپ و کیچ، مخاطب را به دلیل استفاده از عناصر آشنا، جذب می‌کند (Safdarian, 2020؛ شایگان‌فر، ۱۳۸۷). - زیبایی‌شناسی کیچ از طریق تجربه مستقیم یک فرم آشنا ایجاد می‌شود (Attfield, 2006). - معماری عامه‌پسند کیچ در پی استفاده و تبدیل بدون تفکر عناصر یا جزئیات تاریخی به ترکیب‌های ساده و قابل درک آسان است (Trocka-Leszczynska & Jablonska, 2014). |
| | | التقاط سبکی (ترکیب با سایر سبک‌ها) | - سبک پاپ یک سبک خالص و یکپارچه نیست، بلکه مجموعه‌ای از سبک‌های مختلف است (Wang et al., 2020). - ویژگی‌های عناصر مختلف را در دوره‌های مختلف تاریخی جمع‌آوری می‌کند که شبیه ویژگی‌های التقاط است (Wang et al., 2020; Barber, 1987; Irazabal, 2007). |
| تعلق به هویت و مذهب و زیبایی | بی‌ارتباط با زمینه | فاقد هویت مشخص | - معماری پاپ، یک سبک خالص نیست، بلکه مجموعه‌ای از سبک‌های مختلف است (Wang et al., 2020). معماری کیچ، معماری به دور از هویت و فرهنگ را ایجاد می‌کند (Trocka-Leszczynska & Jablonska, 2014؛ گرینبرگ، ۱۳۸۳). |
| | | بی‌ارتباط با زمینه | - در معماری عامه‌پسند (کیچ)، ارتباط ضعیف فرم بنا و محتوا با زمینه، مشهود است (تغابنی و صارمی، ۱۳۹۹). - نمایش معماری عامه‌پسند کیچ، تصویر و عناصری جدا از زمینه و زمان واقعی است (Ozler & Kizilelma, 2023). |



تصویر ۳. توجه به خلق جذابیت‌های بصری مانند شبیه‌سازی آسمان فانتزی. مأخذ: <https://fullsuitcase.com/las-vegas-one-day-itinerary/>



تصویر ۴. معماری عامه‌پسند پر زرق‌وبرق در بازار صفویه تهران. مأخذ: <https://anyja.ir/magazineDetail/1639>

اکثر پژوهشگران بر ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه معماری عامه‌پسند تأکید داشته‌اند. بیشتر خصوصیات معماری عامه‌پسند به نحوه مستقیم یا غیرمستقیم با بعد زیبایی‌شناسانه در ارتباط است. ویژگی‌های معماری عامه‌پسند از بعد زیبایی‌شناسانه-کالبدی در قالب دو مقوله «بیان نوآورانه قابل ادراک» و «جذابیت بصری» دسته‌بندی می‌شود. در مقوله بیان نوآورانه قابل ادراک، معمار عامه‌پسند سعی در خلق نوعی معماری جدید دارد که برای عامه مردم قابل درک است. کاپلان معتقد است: «آثار عامه‌پسند مانند ستاره محبوبی است که با ظهور در نقش جدید، در پی بیان آن است که این اولین اجرا است» (Kaplan, 1966). از آن‌جا که مخاطبان توده شهری تعیین‌کننده اصول زیبایی‌شناسانه معماری عامه‌پسند هستند، دو نکته درک آسان و ایجاد جذابیت بصری اهمیت پیدا می‌کند. متفکرانی مانند بربر، کاپلان، مارینی و کارول با تأکید بر لزوم درک آسان و قابل فهم، آثار عامه‌پسند را استاندارد شده (به معنای کلیشه‌ای بودن) و ساده‌شده از بعد زیبایی‌شناسانه ارزیابی می‌کنند. کاپلان معتقد است: «آثار عامه‌پسند تا حد کمی پیچیدگی را جایگزین ابهام می‌کند و آنچه را که ارائه می‌دهد ممکن است کنجکاوی را برانگیزد، اما ابهام ایجاد نمی‌کند» (ibid.). از سوی دیگر خلق جذابیت بصری و زیبایی‌شناسانه در معماری عامه‌پسند، به‌طور مستقیم با رویکردهای مانند الحاق پیچیدگی غیرضروری، جلادادن فرمی، افراط‌گرایی و اغراق در کاربرد عناصر و تزئینات و به‌نحوه غیرمستقیم با رویکردهای دیگر، مانند بیان‌های نوستالژیک‌گونه ایجاد می‌شود که عمدتاً این جذابیت بصری به دلیل نو و جدیدبودن آن، مهم است (تصاویر ۳ و ۴). اوزلر و

تکثر معانی، استفاده از نمادگرایی، توجه ذائقه حسی، برانگیختن حس نوستالژیک و عدم توجه به خلق معانی عمیق در بعد معنایی-احساسی قابل بیان است که در قالب دو مقوله «معنایی» و «احساسی-عاطفی» تعریف می‌شود. توجه به خلق «کثرت معانی» که یکی از ایده‌های معماران پست‌مدرن و «ونتوری» بوده است، به‌عنوان یکی از ویژگی‌های این نوع معماری توسط گلاس (Glass, 1971) و وکس‌من (Wexman, 1971) بیان شده است. در این جریان معماری یکی از روش‌های خلق معانی مختلف، استفاده از نمادگرایی است که نتایج پژوهش‌های وکس‌من (Wexman, 1971)، ماراینی (Maraini, 2020) و وانگ و همکاران (Wang et al., 2020) بر اهمیت آن تأکید دارد. وکس‌من معتقد است: «معماران این نوع معماری، سعی در به‌کارگیری نمادها، سمبل‌ها و تصاویر دارند (تصویر ۵) و در نهایت تصاویری واضح و تأثیرگذار که قابل درک باشند، ارائه می‌دهند» (Wexman, 1971). بنابراین معماران عامه‌پسند با استفاده از

کیزیلما (Ozler & Kizilelma, 2023) و تروکا و یابلونسکی (Trocka-Leszczynska & Jablonska, 2014) با اشاره به عناصر زائد معماری عامه‌پسند، پیچیدگی حاصل از این نوع معماری را غیرضروری می‌دانند. کاپلان (Kaplan, 1966) و اسلامی و همکاران (Islami et al., 2012) نیز زرق و برق حاصل از این نوع معماری را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های شاخص این نوع معماری بیان می‌کنند و در راستای این ویژگی، در نتایج دیگر پژوهشگران از جمله وکس‌من (Wexman, 1971) و وانگ و همکاران (Wang et al., 2020) به خلق ترکیبات رنگارنگ و متنوع در این نوع معماری اشاره می‌شود (ibid.) (جدول ۳). از بعد معنایی-احساسی نیز معماری عامه‌پسند مهم است. عامه‌پسندی بخشی از فرهنگ معاصر است که نمی‌خواهد تحت تأثیر ارزش‌های زیبایی‌شناسی نخبه‌گرایانه باشد و از این طریق پاسخی به نیازهای احساسی آن‌ها داده می‌شود (Attfield, 2006). در پژوهش‌های بررسی‌شده، پنج ویژگی

جدول ۳. ویژگی‌ها و مقوله‌های معماری عامه‌پسند از بعد زیبایی‌شناسانه-کالبدی. مأخذ: نگارندگان.

| مقوله اصلی | مقوله فرعی | ویژگی | توضیحات |
|------------------------------|--|--------------------------------|--|
| زیبایی‌شناسانه-کالبدی | بیان نوآوری (ظاهری) قابل ادراک | بیان قابل فهم | - آثار پاپ برای درک و فهم همگانی در پایین‌ترین سطوح ابهام بیان می‌شود (Barber, 1987; Carroll, 2001). |
| | | نگرش تصادفی | - آثار عامه‌پسند پاپ گرایش به تکرار فرم‌های آشنا دارد. با ابهام میانه‌ای ندارد و جهت‌گیری آن به سمت آسان‌پسندی است (Fisher, 2013). |
| | | تأکید بر نوآوری ظاهری | - نگرش تصادفی معماری پاپ، نشان‌دهنده آن است که این جریان فاقد ساختار و قاعده مشخص است (Wexman, 1971). - معماری کیچ، ترکیب بدون قاعده اشکال و سبک‌ها است (Trocka-Leszczynska & Jablonska, 2014). |
| جدایی بصری | آزادی در کاربرد عناصر با اغراق و افراط و ... | استفاده از تکنولوژی توده | - معماری کیچ از تکنولوژی جهت خلق فضاهای متنوع بهره می‌برد (Irazabal, 2007). |
| | | توجه به کلیشه (بیان کاذب فرمی) | - فرم در معماری کیچ، کلیشه شده است و این کلیشه، طرح یک فرم را به ما ارائه می‌دهد (حسینی، ۱۳۹۰). |
| | | تقلید و کپی‌برداری | - معمار پاپ و کیچ هر عنصری را که می‌خواهد برای هر هدفی، تأکید، اتصال و تحریف می‌کند (Glass, 1971; Irazabal, 2007). - معماران پاپ اشیاء را آنقدر مقدس نمی‌دانند که در به‌کاربردن آن ترس داشته باشند (Wexman, 1971). |
| تأکید بر زرق و برق و رنگارنگ | استفاده از تزئینات غیرضروری | تقلید و کپی‌برداری | - معماری پاپ به‌جای طراحی فضاهای مناسب انسان، در تفکر تقلید از اتفاق است (Glass, 1971). - تقلید و تصاحب بی‌رویه ارجاعات از هر ژانر فرهنگی و دستکاری آزادانه آن‌ها، رویه کیچ محسوب می‌شود (Attfield, 2006). |
| | | تقلید و کپی‌برداری | در معماری عامه‌پسند به مواردی که غالب هستند توجه می‌شود و زمینه رضایت هستند و سایر عناصر پیچیدگی، غیر ضروری هستند (Trocka-Leszczynska & Jablonska, 2014; Kaplan, 1966; Ozler & Kizilelma, 2023). |
| | | ترکیبات پر زرق و برق و رنگارنگ | - احساس پیچیدگی معماری عامه‌پسند پاپ ناشی از ترکیبات مجلل و رنگارنگ از عناصر تولید انبوه است (Wexman, 1971). - معماری عامه‌پسند پاپ از تضاد رنگی قوی و رنگ‌های اصلی روشن، پرزرق و برق استفاده می‌کند (Wang et al., 2020). |

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معماری عامه‌پسند (کیچ) را توجه به «حس نوستالژیک» می‌دانند و به ساخت ساختمان‌های چوبی براساس ساختمان‌های چوبی سنتی، که تداعی‌کننده خاطرات دوران کودکی است، اشاره می‌کنند (Trocka-Leszczynska & Jablonska, 2014). با توجه به غالب بودن احساسات در معماری ترجیح داده شده توسط مردم، حس نوستالژیک عمدتاً از طریق ایجاد فرم‌های آشنا برای مخاطب شکل می‌گیرد و استفاده از مصالح و نمایش کاذب (کلیشه)، نقش اساسی در تجلی این ویژگی دارد. اغلب احساسات ناشی از معماری عامه‌پسند در تعدادی از پژوهش‌ها از جمله نویتس (Novitz, 1989) و گرینبرگ (۱۳۸۳) با عنوان احساسات سطحی و زودگذر بیان می‌شود (جدول ۴).

از بعد اقتصادی، سرمایه‌گذاری در هنر و معماری عامه‌پسند دارای دو جنبه جذاب و ریسک‌دار است. به واسطه عمومی بودن هنر و معماری عامه‌پسند، زمینه مناسبی برای فعالیت ایجاد می‌کند و شرکت‌ها و افراد را مشتاق می‌کند تا از هر فرصتی که پیش می‌آید، استفاده کنند. بنابراین این امر به تولید آثار عامه‌پسند، نوسان شدیدی می‌دهد و تغییرات اساسی و ناگهانی در ذات آن نهفته است. بی‌ثباتی و رقابت تجاری، آثار عامه‌پسند را به سمت خلق فرم‌های جدید و ایجاد تنوع هدایت می‌کند و تولیدکنندگان از این طریق، گزینه‌ها و انتخاب‌های بالقوه را گسترش می‌دهند



تصویر ۵. میدان ایتالیا و استفاده از نمادهای عامه‌پسند.

مأخذ: <https://mymodernmet.com/post-modern-architecture>

نمادهای قابل درک که نیازی به دانش تخصصی برای ادراک آن نیست، سعی در ایجاد معماری پرمعنا برای مخاطب دارند. توجه به ویژگی «ذائقه حسی و تحریک احساسات» در معماری عامه‌پسند توسط اندرسون (Anderson, 1990)، شایگان‌فر (۱۳۸۷) و اوزلر و کیزیلما (Ozler & Kizilma, 2023) اشاره شده است. اوزلر و کیزیلما معتقداند: «ماحصل معماری عامه‌پسند، ترویج مصرف سریع محصولات برانگیزنده عواطف و هیجان‌های شدید است» (ibid.). از سوی دیگر تروکا و یابلونسکی (Trocka-Leszczynska & Jablonska, 2014)

جدول ۴. ویژگی‌ها و مقوله‌های معماری عامه‌پسند از بعد معنایی- احساسی. مأخذ: نگارندگان.

| مقوله‌های اصلی | مقوله‌های فرعی | ویژگی | توضیحات |
|----------------|----------------|---|---|
| معنایی- احساسی | تذاتی | تکثر معانی | - ونتوری با بیان لیست زیادی از کلمات با معانی مختلف، خواهان تکثر معانی در معماری و معماری پاپ بود (Glass, 1971). - هدف معماری پاپ، ساخت و ایجاد محیطی پرمعنا برای مردم است که مورد علاقه مردم باشد (Wexman, 1971). |
| | | استفاده از نمادگرایی | - معماری پاپ از «زبان نمادین» محبوب و تکنیک‌های رایج برای بیان خواسته‌های روانی عموم استفاده می‌کند (Wang et al., 2020). - معماری پاپ به وسیله اشکال، نشانه‌ها، فرم‌ها و محتوای نمادین و سمبلیک بیان می‌شود (Maraini, 2020; Wexman, 1971) |
| معنایی- احساسی | عاطفی- اجتماعی | مبتنی بر ذائقه حسی و افراط در تحریک احساسات | - معماری عامه‌پسند پاپ در جست‌وجوی هیجان ناشی از تازگی، ترکیبات غیرمنتظره، بازی روی فرم‌ها، عناصر، مقیاس‌ها و هرگونه تأثیر دیگر است (Glass, 1971; Kaplan, 1966; Islami et al., 2012; Anderson, 1990). - ماحصل کیچ، ترویج مصرف محصولات برانگیزنده عواطف و هیجان‌های شدید است (Ozler & Kizilma, 2023; Fisher, 2013); شایگان‌فر، (۱۳۸۷). - ونتوری و اسکات براون دریافتند که موفقیت معماری پاپ براساس توانایی آن در برآورده ساختن همه خیالات ساکنان آن است (Tzonis & Lefaivre, 2005). |
| | | برانگیختن حس نوستالژیک | - تقلید در معماری کیچ، بدون هیچگونه قاعده خاصی و عمدتاً مبتنی بر تقلید از عناصری برانگیزنده حس نوستالژیک است (حسینی، ۱۳۹۰; Trocka-Leszczynska & Jablonska, 2014). - کیچ به جای حس جدید، ما را به احساسات آشنای قبلی ارجاع می‌دهد (گرینبرگ، ۱۳۸۳). |
| | | خوشحالی ناپایدار و فقدان معانی عمیق | - اکثر آثار عامه‌پسند به ترس، ترحم، اشتیاق عاشقانه و ... می‌پردازند و فاقد احساس‌های عمیق یا ابهام هستند (Novitz, 1989). - کیچ، شوق و احساس‌گرایی را جایگزین بیان‌هایی از یک مفهوم پرمحتوای بشری یا معنای عمیق می‌کند (گرینبرگ، ۱۳۸۳). |



تصویر ۶. معماری تزئینی و تجملی. مأخذ: آرشیو نگارندگان.

تحلیل داده‌ها

گروه‌های توده شهری^{۲۰} تحت تأثیر تحولات ناشی از انقلاب صنعتی قرار دارند و ارزش‌ها و باورهای بومی در آن‌ها کم رنگ شده است. با کم رنگ شدن تمایزهای فرهنگی و اجتماعی، گونه‌ای از فرهنگ همگن شده در مخاطب‌ها و گروه‌های شهرنشین شکل گرفته است. در نتیجه این تحول و دگرگونی ارزش‌های مورد پسند مردم، نوعی جریان معماری جدید رایج شده است. این جریان که در جهت زیبایی‌شناسی مخاطب عامه است، در حیطه متفاوتی از اصول و مفاهیم معماری بومی یا مدرن بیان می‌شود. با توجه به یافته‌های پژوهش، ده مقوله (فرعی) برای شکل‌گیری معماری عامه‌پسند قابل تحلیل است. که شامل مقوله‌های تأیید عامه، تظاهر اجتماعی، اشاره‌گرایی سبکی، عدم بیان هویت مشخص،

(Barber, 1987). این موضوع نشان‌دهنده ویژگی بی‌ثباتی و تفسیرهای جدید از زیبایی در معماری عامه‌پسند است که در پژوهش‌های اوزلر و کیزیلما (Ozler & Kizilelma, 2023)، دامبرین و لامبرت (Dambrin & Lambert, 2017) و تروکا و یابلونسکی (Trocka-Leszczynska & Jablonska, 2014) تأکید شده است. اوزلر و کیزیلما معتقدند: «استفاده مقطعی از مصالح خاص مانند شیشه‌های رفلکس، نماهای کامپوزیت، رنگ‌های خاص و ... نتیجه تبلیغات مصرف‌گرایانه است و در نتیجه آن، محصول خاصی در برهه‌ای پرکاربرد می‌شود» (Ozler & Kizilelma, 2023).

ترویج مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی (جدول ۵) به‌عنوان دیگر ویژگی معماری عامه‌پسند توسط پژوهشگران به‌ویژه کلاوس (Klaufus, 2015) بیان شده است. لژچینسکا و یابلونسکی معتقدند: «سرمایه‌گذاران به امید کسب درآمد سریع، تمایل به تحسین سلیقه و فرهنگ توده‌ای دارند و معماران و طراحان داخلی نیز متأثر از چنین تمایل و جهت‌گیری، در راستای نادیده گرفتن برخی از جنبه‌های زیبایی‌شناختی هدایت می‌شوند» (Trocka-Leszczynska & Jablonska, 2014). ترویج تجمل‌گرایی (تصویر ۶) در این جریان، نتیجه چنین نگرشی است و به اشکال مختلفی مانند گنجاندن عناصر زائد، نشان داده می‌شود (Klaufus, 2015). دو موضوع توسعه عمودی و تغییرات اقتصادی یا به بیانی سوداگری و مصرف‌گرایی در سوق دادن معماری به خصوص معماری مسکونی به سمت تجمل‌گرایی بی‌تأثیر نبوده است. ساختمان‌های لوکس و تجملی در جست‌وجوی معماری کلاس جهانی، متریا‌های گران‌بها، پلان‌های گسترده و فضاهای رفاهی هستند (Lauermann, 2021). با توجه به یافته‌های پژوهش، ویژگی‌های معماری عامه‌پسند در ده مقوله فرعی بیان می‌شود و تفاوت رویکرد معماری بومی و مدرن نسبت به همه مقولات ده‌گانه معماری عامه‌پسند قابل بیان است (جدول ۶).

جدول ۵. ویژگی‌ها و مقوله‌های معماری عامه‌پسند از بعد اقتصادی. مأخذ: نگارندگان.

| مقوله‌های اصلی | مقوله‌های فرعی | ویژگی | توضیحات |
|---------------------------|----------------|--|--|
| اقتصادی | مصرف‌گرایی | تجمل‌گرایی | - در آثار عامه‌پسند، تجمل‌گرایی به اشکال مختلفی مانند گنجاندن عناصر زائد که بیانگر حس تجمل است، نشان داده می‌شود (Klaufus, 2015). - کیچ (ومعماری عامه‌پسند) اساساً بازارباز و فروشنده خود است و خود را تحمیل می‌کند (گرینبرگ، ۱۳۸۳). - آثار پاپ به شدت تحت تأثیر ملاحظات تجاری و ایدئولوژیکی هستند (Novitz, 1989). |
| | مدگرایی | استفاده از مصالح و پوشش کاذب | - معماری عامه‌پسند، مبنای واقعی و اصیل ندارد (Glass, 1971; Lebsenztejn & Cooper, 1981). - آثار کیچ، کاربرد دروغین از مصالح شبه واقعی است (Ozler & Kizilelma, 2023). |
| تغییرات مداوم ملاک زیبایی | | - استفاده مقطعی از متریا‌های روز (مد) - نتیجه تبلیغات مصرف‌گرایانه است و در برهه‌ای پرکاربرد می‌شود (Ozler & Kizilelma, 2023). - ایجاد مد و تجدید ملاک‌های زیبایی یکی از ویژگی‌های جامعه مصرف‌گرا است (Dambrin & Lambert, 2017). | |

جدول ۶. تفاوت نگرش معماری بومی (سنتی) و مدرن نسبت به مقوله‌های معماری عامه‌پسند. مأخذ: نگارندگان.

| مقوله‌های معماری عامه‌پسند | نگرش معماری مردمی (بومی - سنتی) | نگرش معماری مدرن |
|----------------------------|--|---|
| تأییدپذیری عامه | برگرفته از ارزش‌های مردمی انتقال‌یافته از نسلی به نسل دیگر (Barber, 1987). | نخبه‌گرایانه و تحمیل ارزش‌ها به گروه عامه (Wexman, 1971). |
| تظاهر اجتماعی | وحدت بین ظاهر و باطن (حجت، ۱۳۹۴) | توجه به خلوص و عدم تزئینات در معماری مدرن (وارد، ۱۳۸۴). |
| اشاره‌گرایی سبکی | محدود به موقعیت جغرافیایی و عدم ارتباط با سایر فرهنگ‌ها (Barber, 1987) و فرم‌ها در هماهنگی با فرهنگ محلی (صادقی‌پی، ۱۳۸۶). | تجددطلبی و نفی گذشته عدم توجه به رویکرد تاریخ‌گرایانه (نقی‌زاده، ۱۳۷۹). |
| فاقد هویت مشخص | ریشه در فرهنگ سنتی و محلی (Barber, 1987). | ریشه در خردگرایی (نقی‌زاده، ۱۳۷۹) |
| بیان نوگرایانه قابل درک | نوگرایی محتاطانه و تدریجی (حجت، ۱۳۹۴). توجه به راهکارها، الگوها و سرمشق‌ها (حجت، ۱۳۹۴). | توجه به حقیقت و خلاقیت معمارانه (ابداع فرم‌ها و اشکال بدیع) (Glass, 1971). |
| جذابیت بصری | فراتر از تزئین صرف است (Maraini, 2020). | توجه به زیبایی‌شناسی ماشین (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۵). |
| معناگرایی | غرق در باورها (Maraini, 2020) توجه به دل معماری - معناهای عمیق (حجت، ۱۳۹۴). | کارکردگرایی (اسلامی و همکاران، ۱۴۰۰). عدم اعتقاد به مبانی معنوی و معنایی (نقی‌زاده، ۱۳۷۹). |
| احساسی - عاطفی | توجه به نیازهای روحی و روانی مردم (صادقی‌پی، ۱۳۸۶) | نظام‌های انتزاعی و منطقی (خردگرا) معماری مدرن (وارد، ۱۳۸۴). |
| مصرف‌گرایی | پرهیز از الگوهای مصرف‌گرا و توجه به راهکارها، الگوها و سرمشق‌ها (حجت، ۱۳۹۴). | صداقت در معماری (وارد، ۱۳۸۴) و توجه به کاهش هزینه (اسلامی و همکاران، ۱۴۰۰). |
| مدگرایی | ارزش‌های حاصل تداوم و تجربه است (حجت، ۱۳۹۴) (برخلاف تغییرات زیاد مدگرایی). | توجه به معماری قهرمانه و اصیل مدرنیستی (Lebensztejn & Cooper, 1981). |

در بعد زیبایی‌شناسانه-کالبدی توجه به دو مقوله بیان نوگرایانه قابل درک و جذابیت بصری در معماری عامه‌پسند اهمیت دارد. نوگرایی معماری عامه‌پسند به صورت ظاهری است و عمدتاً از طریق ترکیبات تصادفی ایجاد می‌شود. تجدد و نوگرایی در معماری مدرن نیز مهم است و برخلاف رویکرد تصادفی و ظاهری معماری عامه‌پسند، تجدد و نوگرایی در مرحله‌ای قابل پذیرش است که با حقیقت، خلاقیت و نبوغ معمارانه همراه باشد. درحالی‌که معماری مدرن، به زیبایی حاصل از عملکرد و سودمندبودن هریک از اجزاء توجه می‌کند. معماری عامه‌پسند از رویکردهای گوناگون جهت ارائه تصاویر جذاب و هیجان‌انگیز بهره می‌برد که شامل استفاده از تزئینات غیرضروری، ترکیبات پر زرق و برق و رنگارنگ، آزادی در تحریف مقیاس‌ها، استفاده از کلیشه‌ها، استفاده از قابلیت‌های تکنولوژیک محور (تکنولوژی توده) و تقلید است. از سوی دیگر، در معماری بومی (سنتی)، به دلیل توجه به تجربه و ارزش‌های (الگوها) منتقل‌شده نسل به نسل، نوگرایی به صورت محتاطانه رخ می‌دهد و جذابیت بصری و ارزش‌های زیبایی‌شناسی آن حاصل تداوم ارزش‌ها و بر پایه تجربه است و بیان بصری آن فراتر از بیان‌های صرفاً تزئیناتی و موقتی است. بنابراین، نوگرایی و جذابیت‌های بصری در معماری عامه‌پسند نسبت به دو جریان مدرن و

بیان نوگرایانه قابل درک (ظاهری)، جذابیت بصری، معنایی، احساسی - عاطفی، مصرف‌گرایی و مدگرایی است (تصویر ۷). در بعد فرهنگی - اجتماعی، در مقابل عامه‌گرایی و تلاش معماری عامه‌پسند جهت دستیابی به تأیید عامه، در معماری بومی، نوعی از ارزش‌های مردمی تأیید شده است که مردم به آن می‌اندیشند و باور می‌کنند و این باورها در شرایط خاص اجتماعی - تاریخی (انتقال از نسلی به نسل دیگر) شکل گرفته است و ناشی از فرهنگ همگن‌شده توده جمعیت شهرنشین نیست. در سوی دیگر، معماری مدرن، رویکرد نخبه‌گرایانه دارد و با نفی تزئینات و ایجاد معماری بدون تجمل، نوعی از عدم توجه به مقوله عامه‌گرایی و تظاهر اجتماعی معماری عامه‌پسند را ارائه می‌دهد. در بعد تاریخی - هویتی، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معماری عامه‌پسند، اشاره‌گرایی سبکی است که به دلیل عدم وجود مفاهیم زیربنایی شاخص در این جریان معماری، تأکید می‌شود. بنابراین معمار عامه‌پسند با برداشت و التقاط از سبک‌های مختلف معماری از نقاط مختلف جغرافیایی، معماری کلاژ گونه‌ای به وجود می‌آورد. این مقوله در معماری بومی (سنتی) به دلیل وجود مفاهیم زیربنایی و هویتی که ریشه آن در فرهنگ سنتی است، نفی می‌شود. از سوی دیگر، معماری مدرن نیز که بر پایه مفاهیم خردگرایانه و تجددطلبی تعریف می‌شود، همواره تأکید بر نفی اشاره‌گرایی تاریخی و سبکی دارد.



تصویر ۷. ابعاد، مقوله ها و ویژگی های معماری عامه پسند. مأخذ: نگارندگان.

بومی با آزادی بیشتری پیگیری می شود و دارای بیان های متنوع تری است. در بعد معنایی-احساسی، با توجه به جایگاه مهم احساسات مخاطبها در تجلی معماری عامه پسند، توجه به مقوله معنایگرایی و مقوله احساسی-عاطفی اهمیت زیادی دارد. تکثر معانی، نمادپردازی، تحریک احساسات و رویکردهای نوستالژیک گونه در این بعد بسیار شاخص است. در معماری بومی، مانند معماری عامه پسند، توجه به معنا با رویکردهای گوناگونی انجام می شود، ولی عمدتاً معانی به صورت عمیق و برگرفته از باورها و ارزش های پایدار است و در مقابل تحریک های احساسی افراطانه معماری عامه پسند، توجه به احساس و نیازهای روحی و روانی عمیق تأکید می شود. از سوی دیگر، در معماری مدرن، مقوله های معنایی و احساسی مهم نیستند و در مقابل معناگرایی (نماد گرایی، تکثر معانی)، توجه به عملکرد و در مقابل معیارهای احساسی، توجه به نظام های انتزاعی و منطقی (عقلانی) تأکید می شود. در بعد اقتصادی معماری عامه پسند، دو مقوله مصرف گرایی و مد گرایی قابل تحلیل است. در معماری عامه پسند برای اهدافی مانند رقابت تجاری و تظاهر اجتماعی، از یک سو مصرف گرایی با استفاده از مصالح کاذب و همچنین نموده های تجمل گرایانه، از سوی دیگر توجه به مد با نمایش مصالح و پوشش های روز، نمایش داده می شود. این دو مقوله که در راستای ارزش های ماندگار و در معماری مدرن به دلیل ارزش ها و اصول حاکم بر معماری مدرن مانند صداقت در معماری (عدم استفاده از نموده های کاذب، تزئینات غیر ضروری و نمایش واقعیت) نفی می شود. در شکل گیری یک معماری عامه پسند، در کنار اهمیت ابعاد ذکر شده، ارتباط و تأثیرگذاری هر یک از آنها با یکدیگر نیز مهم است. اما از سویی با توجه به اهمیت و تأثیر متقابل بعد زیبایی شناسی-کالبدی با سایر ابعاد معماری عامه پسند و همچنین ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم بیشتر ویژگی های مطرح شده با این بعد که تأییدکننده نتایج پژوهش فاوست و همکاران (Fawcett et al., 2008) و گیفورد و همکاران (Gifford et al., 2002) است، می توان به اهمیت و نقش مرکزی بعد زیبایی شناسانه-کالبدی در ارتباط با سایر ابعاد اشاره کرد. ارتباط بعد زیبایی شناسانه با بعد فرهنگی-اجتماعی در راستای توجه به ارزش ها و ترجیحات عامه و همچنین اطمینان از پذیرش معماری خلق شده توسط عامه مردم انجام می شود. در سوی دیگر این ارتباط با بعد هویتی-تاریخی، با توجه به فقدان مفاهیم زیربنایی و هویتی مشخص در معماری عامه پسند،

بومی با آزادی بیشتری پیگیری می شود و دارای بیان های متنوع تری است. در بعد معنایی-احساسی، با توجه به جایگاه مهم احساسات مخاطبها در تجلی معماری عامه پسند، توجه به مقوله معنایگرایی و مقوله احساسی-عاطفی اهمیت زیادی دارد. تکثر معانی، نمادپردازی، تحریک احساسات و رویکردهای نوستالژیک گونه در این بعد بسیار شاخص است. در معماری بومی، مانند معماری عامه پسند، توجه به معنا با رویکردهای گوناگونی انجام می شود، ولی عمدتاً معانی به صورت عمیق و برگرفته از باورها و ارزش های پایدار است و در مقابل تحریک های احساسی افراطانه معماری عامه پسند، توجه به احساس و نیازهای روحی و روانی عمیق تأکید می شود. از سوی دیگر، در معماری مدرن، مقوله های معنایی و احساسی مهم نیستند و در مقابل معناگرایی (نماد گرایی، تکثر معانی)، توجه به عملکرد و در مقابل معیارهای احساسی، توجه به نظام های انتزاعی و منطقی (عقلانی) تأکید می شود. در بعد اقتصادی معماری عامه پسند، دو مقوله مصرف گرایی و مد گرایی قابل تحلیل است. در معماری عامه پسند برای اهدافی مانند رقابت تجاری و تظاهر اجتماعی، از یک سو مصرف گرایی با استفاده از مصالح کاذب و همچنین نموده های تجمل گرایانه، از سوی دیگر توجه به مد با نمایش مصالح و پوشش های روز، نمایش داده می شود. این دو مقوله که در راستای ارزش های ماندگار و در معماری مدرن به دلیل ارزش ها و اصول حاکم بر معماری مدرن مانند صداقت در معماری (عدم استفاده از نموده های کاذب، تزئینات غیر ضروری و نمایش واقعیت) نفی می شود. در شکل گیری یک معماری عامه پسند، در کنار اهمیت ابعاد ذکر شده، ارتباط و تأثیرگذاری هر یک از آنها با یکدیگر نیز مهم است. اما از سویی با توجه به اهمیت و تأثیر متقابل بعد زیبایی شناسی-کالبدی با سایر ابعاد معماری عامه پسند و همچنین ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم بیشتر ویژگی های مطرح شده با این بعد که تأییدکننده نتایج پژوهش فاوست و همکاران (Fawcett et al., 2008) و گیفورد و همکاران (Gifford et al., 2002) است، می توان به اهمیت و نقش مرکزی بعد زیبایی شناسانه-کالبدی در ارتباط با سایر ابعاد معماری عامه پسند،

به سؤال دوم پژوهش، معماری عامه‌پسند دارای پنج بعد (مقوله اصلی) فرهنگی- اجتماعی، تاریخی- هویتی، زیبایی‌شناسانه- کالبدی، معنایی- احساسی و اقتصادی است. در بعد فرهنگی- اجتماعی دو مقوله تأیید عامه و تظاهر اجتماعی، در بعد تاریخی- هویتی مقوله‌های اشاره‌گرایی سبکی و عدم بیان هویت مشخص، در بعد زیبایی‌شناسانه- کالبدی مقوله‌های بیان نوگرایانه قابل درک و جذابیت بصری، در بعد معنایی- احساسی مقوله‌های معنا و احساسی- عاطفی و در نهایت در بعد اقتصادی دو مقوله مصرف‌گرایی و مدگرایی بیان می‌شود. بخش زیادی از ویژگی‌های تحلیل‌شده برای این نوع معماری، دارای ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با بعد زیبایی‌شناسانه- کالبدی است. در مجموع ویژگی‌های معماری عامه‌پسند (۲۶ ویژگی) شامل توجه به نمود دموکراتیک (تأییدشده عامه مردم)، توجه به ارزش‌های معمولی (فرهنگ عامه)، توجه به ارتقاء جایگاه اجتماعی مخاطب، شخصی‌سازی و فردگرایی، استفاده از عناصر تاریخی و آشنا، التقاط سبکی، عدم وجود هویت مشخص، عدم ارتباط با زمینه، بیان قابل درک (آشنا برای مخاطب)، فقدان ساختار و قاعده مشخص (نگرش تصادفی)، تأکید بر تازگی و نوآوری ظاهری، آزادی در کاربرد و تحریف عناصر، دارای نمود کلیشه‌ای، تقلید و کپی‌برداری، استفاده از تکنولوژی توده، استفاده از تزئینات غیرضروری، ترکیبات پر زرق‌وبرق و رنگارنگ، توجه به تکثر معانی، استفاده از نمادگرایی، افراط در تحریک احساسات، برانگیختن حس نوستالژیک، عدم ایجاد معانی عمیق، تجمل‌گرایی، استفاده از مصالح یا پوشش کاذب، استفاده از متریا‌های روز و در نهایت تغییرات مداوم، ملاک زیبایی (بی‌ثباتی) است.

پی‌نوشت‌ها

۱. Populist
۲. Mass culture
۳. Pop
۴. Kitsch
۵. موضوع اصلی نظریه‌پردازان «جامعه توده‌ای» بر این اساس است که جامعه توده‌ای، فرهنگ توده‌ای را توسعه می‌دهد که در آن ارزش‌ها، باورهای فرهنگی و سیاسی تمایل به همگن و سیال شدن را دارند. در نتیجه آن، در سطوح میانی یا پایینی مردم فکر و احساس یکسانی می‌کنند. اما این افکار و احساسات مستعد مد زودگذر هستند (Wilensky, ۱۹۶۴).
۶. Walter Gropius
۷. Mies van der Rohe
۸. Le Corbusier
۹. Cedric Price
۱۰. Fun Palace
۱۱. Venturi
۱۲. Las Vegas
۱۳. Webster's English Dictionary
۱۴. Kulka
۱۵. Systematic reviews
۱۶. Popular architecture

در راستای اشاره‌گرایی تاریخی و گرده‌برداری سبکی است. این گرده‌برداری سبکی همراه با ایجاد تغییرات در تناسب، رنگ، شکل و... آن‌هاست و از این طریق، تصاویر جذاب و هیجان‌انگیزی برای مخاطب عامه ارائه می‌شود. ارتباط بعد زیبایی‌شناسانه با بعد معنایی- احساسی نیز، در جهت بیان و ارائه‌های تصاویر سمبلیک و جذاب نمایشی برانگیزنده احساسات و هیجانات شدید در مخاطب عامه است. اهمیت این ارتباط در برخی موارد، همراه با اغراق و با کمک شبیه‌سازی و استفاده از تکنولوژی تأکید می‌شود. در نهایت ارتباط بعد زیبایی‌شناسانه و اقتصادی برای دو مقوله مصرف‌گرایی و مدگرایی در بعد اقتصادی معماری عامه‌پسند، فرصتی را برای سرمایه‌گذاران جهت تأثیرگذاری بر مخاطب عامه به‌خصوص در بخش مسکن (که مهم‌ترین محل زندگی انسان است) ایجاد می‌کند. بنابراین ارتباط این دو مقوله (مصرف‌گرایی و مدگرایی) با بعد زیبایی‌شناسانه- کالبدی و همچنین بعد اجتماعی- فرهنگی (مقوله تظاهر اجتماعی) در دوره مصرف‌گرا و شهرنشینی معاصر، سبب خلق معماری عامه‌پسند تجملی شده است.

نتیجه‌گیری

در پاسخ به سؤال اول پژوهش، معماری عامه‌پسند نوعی از جریان معماری است، که به دو نوع معماری کیچ و پاپ نظر دارد و هر دو نوع معماری، عمدتاً دارای ویژگی‌های یکسانی هستند. زمینه ظهور معماری عامه‌پسند عمدتاً در زمینه مدرن و زندگی شهری است و مخاطبان معماری عامه‌پسند، افرادی هستند که تحت تأثیر ارزش‌های شهرنشینی و تحولات ناشی از انقلاب صنعتی قرار دارند و در نتیجه از یک سو ارزش‌ها و سلايق جدید و همگن در آن‌ها شکل گرفته است و از سوی دیگر ارزش‌های بومی- محلی (باورها، تمایزهای فرهنگی، اجتماعی، هویتی و...) در آن‌ها کم‌رنگ شده است. زیبایی‌شناسی معماری عامه‌پسند با اصول زیبایی‌شناسی مدرن (که مبتنی بر عقل، سودمندی و زیبایی‌شناسی ماشینی است) و زیبایی‌شناسی معماری بومی (که مبتنی بر نیازها، ارزش‌ها و باورهای منتقل‌شده نسل به نسل است) متفاوت است و متأثر از دو مقوله نوگرایی ظاهری و توجه به جذابیت بصری است و با رویکردهای متنوعی از جمله استفاده از تزئینات غیرضروری، ترکیبات پر زرق‌وبرق‌دار و رنگارنگ، تقلید و آزادی در دگرگونی اشکال و مقیاس‌ها بیان می‌شود. معماری عامه‌پسند به‌عنوان یکی از جریان‌های دوره معاصر، دارای ابعاد نسبتاً متنوعی است و نتایج پژوهش حاکی از آن است که این جریان معماری فراتر از ابعاد صرفاً زیبایی‌شناسانه- کالبدی خلق می‌شود. در پاسخ

of design. *Home Cultures*, 3(3), 201-212. <https://doi.org/10.2752/174063106779090758>

- Barber, K. (1987). Popular arts in Africa. *African studies review*, 30(3), 1-78. <https://doi.org/10.2307/524538>
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- Brown, G. & Gifford, R. (2001). Architects predict lay evaluations of large contemporary buildings: whose conceptual properties?. *Journal of Environmental Psychology*, 21(1), 93-99. <https://doi.org/10.1006/jevp.2000.0176>
- Carroll, N. (2001). Mass art: The debate continues. *Journal of Aesthetic Education*, 35(3), 15-22. <https://doi.org/10.2307/3333606>
- Dambrin, C., & Lambert, C. (2017). Beauty or not beauty: Making up the producer of popular culture. *Management Accounting Research*, 35, 35-46. <https://doi.org/10.1016/j.mar.2016.03.003>
- Duzenli, T., Alpak, E. M., & Akyol, D. (2018). Impact of Kitsch on Urban Identity: A Case Study on Trabzon City. *International Journal of Social Humanities Sciences Reseach*, 5(16), 94-99. <https://doi.org/10.26450/jshsr.312>
- Fawcett, W., Ellingham, I., & Platt, S. (2008). Reconciling the architectural preferences of architects and the public: The ordered preference model. *Environment and Behavior*, 40(5), 599-618. <https://doi.org/10.1177/0013916507304695>
- Fisher, D. (2004). The demonstration effect revisited. *Annals of Tourism Research*, 31(2), 428-446. <https://doi.org/10.1016/j.annals.2004.01.001>
- Fisher, J. A. (2013). *High art versus low art. In The Routledge companion to aesthetics*. Routledge.
- Gifford, R., Hine, D. W., Muller-Clemm, W., & Shaw, K. T. (2002). Why architects and laypersons judge buildings differently: cognitive properties and physical bases. *Journal of Architectural and Planning Research*, 19(2), 131-148. <http://www.jstor.org/stable/43030605>
- Glass, C. (1971). The metaphysics of pop architecture. *Soundings*, 54(2), 202-213. <http://www.jstor.org/stable/41177806>
- Islami, S. G., Ebrahimi, S., & Islami, S. Y. (2012). Confrontation of Iranian contemporary architecture with the electronic era. *International journal of Architectural Engineering & Urban Planning*, 22(1), 41-50.
- Irazabal, C. (2007). Kitsch is dead, Long Live Kitsch: the production of "Hyperkitsch" in Las Vegas. *Journal of Architectural and Planning Research*, 199-223. <http://www.jstor.org/stable/43030803>
- Kaplan, A. (1966). The Aesthetics of the Popular Arts. *The Journal of Aesthetics and Art Criticism*, 24(3), 351-364. <https://doi.org/10.2307/427970>
- Kalantar Motamedi, M. H. (2014). National getaways for the weary trauma surgeon; part 1: kish island. *Trauma Monthly*, 19(4),

- Pop architecture .۱۷
- Kitsch architecture .۱۸
- Postmodern architecture .۱۹
- Luxury architecture .۲۰
- Ordinary architecture .۲۱
- Kitsch and pop aesthetics .۲۲
- Architectural preferences .۲۳
- Thematic analysis .۲۴
- Milan Kundera .۲۵
- Demonstration Effect .۲۶
- Housing ladder .۲۷
- Cuenca .۲۸
- Thin-centered ideology .۲۹
- ۳۰. غنا و کثرت شکل گرفته در معماری عامه‌پسند، عمدتاً از طریق ترکیبات مجلل و رنگارنگ از عناصر تولید انبوه به دست می‌آید. نمونه این موضوع، خانه «مور» است که به مجموعه اتاق‌های کوچک پر از مصنوعات تکنولوژیک و غیرتکنولوژیک رنگارنگ، اسباب‌بازی، مجموعه کامل از وسایل روشنایی و ... تبدیل شده است. مثال دیگر، ساختمان «تالار مشاهیر فوتبال» است که توسط رابرت ونچوری طراحی شده است و سرتاسر نمای جلوی آن، بیلورد بزرگی دارد که در آن حرکت پی در پی تصاویر، مجلات و نمودارهای گرافیکی از بازیکنان مشهور فوتبال نمایش داده می‌شود (Wexman, 1971).

فهرست منابع

- اسلامی، نازنین؛ البرزی، فریبا و سلطان‌زاده، حسین. (۱۴۰۰). تبیین تأثیر اندیشه‌های نوگرایانه بر فرایند معماری به سبک مدرن بین‌المللی در ایران و ازبکستان. *باغ نظر*، ۱۸ (۹۴)، ۱۰۱-۱۱۶. <https://doi.org/10.22034/bagh.2020.221708.4478>
- تغابنی، علیرضا و صارمی، علی‌اکبر. (۱۳۹۹). تحلیلی بر گونه‌شناسی کیچ در بناهای معاصر ایران (مطالعه موردی: شهر تهران). *هویت شهر*، ۱۴ (۴۳)، ۱۷-۲۸. <https://www.doi.org/10.30495/hoviatshahr.2020.14219>
- حجت، عیسی. (۱۳۹۴). سنت سنت‌گرایان و سنت‌گرایی معماران. *نشریه هنرهای زیبا*، ۲۰ (۱)، ۵-۱۶.
- حسینی، اکرم. (۱۳۹۰). تبیین و تدوین گرایش‌های معماری معاصر ایران پس از انقلاب اسلامی - مطالعه موردی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۶۰ شهر تهران. *هویت شهر*، ۸، ۱۷-۲۶.
- رحمانی، الهه؛ اعتصام، ایرج و مختاباد امرئی، مصطفی. (۱۳۹۵). تحلیلی مقایسه‌ای بر خوانش مدرنیستی و پسامدرنیستی اثر معماری. *معماری و شهرسازی ایران*، ۷(۲)، ۲۰۳-۲۱۷. <https://doi.org/10.30475/isau.2017.62033>
- شایگان‌فر، نادر. (۱۳۸۷). تقابل‌های سنتی دو متافیزیک، دو فرهنگ و دو هنر. *زیبا شناخت*، ۱۹، ۲۰۵-۲۲۴.
- صادقی‌پی، ناهید. (۱۳۸۶). الگوپذیری از معماری سنتی برای دستیابی به معماری امروزی. *مسکن و محیط روستا*، ۱۲۰، ۲-۱۱.
- گرینبرگ، کلمنت. (۱۳۸۳). آوانگارد و کیچ (ترجمه فرشید آذرنگ). *حرفه هنرمند*، ۷، ۱۹۴-۲۰۲.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۷۹). رابطه هویت «سنت معماری ایران» با «مدرنیسم» و «نوگرایی». *هنرهای زیبا*، ۷، ۷۹-۹۱.
- وارد، گلن. (۱۳۸۴). *پست مدرنیسم* (ترجمه قادر فخر رنجبری و ابودر کرمی). ماهی.
- Anderson, R. L. (1990). Popular art and aesthetic theory: why the muse is unembarrassed. *Journal of Aesthetic Education*, 24(4), 33-46. <https://doi.org/10.2307/3333105>
- Attfield, J. (2006). Redefining kitsch: The politics

1-4. <https://doi.org/10.5812/traumamon.21593>

- Klaufus, C. (2015). Arquitectura de remesas: 'Demonstration effect' in Latin American popular architecture. In *Ethno-Architecture and the Politics of Migration* (pp. 99-114). Routledge. <https://hdl.handle.net/11245/1.521683>
- Lauerermann, J. (2021). Luxury housing and gentrification in New York City, 2010-2019. *Urban Geography*, 43(10), 1683-1701. <https://doi.org/10.1080/02723638.2021.1956112>
- Lebensztejn, J.-C., & Cooper, K. (1981). Photorealism, Kitsch and Venturi. *SubStance*, 10(2), 75-104. <https://doi.org/10.2307/3684330>
- Trocka-Leszczynska, E., & Jablonska, J. (2014). Kitsch in Architecture-Contemporary Polish Hotels. In *Universal Access in Human-Computer Interaction. Design for All and Accessibility Practice: 8th International Conference, UAHCI 2014, Held as Part of HCI International 2014, Heraklion, Crete, Greece, June 22-27, 2014, Proceedings, Part IV 8* (pp. 279-290). Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-319-07509-9_27
- Maraini, T. (2020). Some Observations on Traditional Popular Art in Morocco. *The Journal of Modern Craft*, 13(1), 107-114. <https://doi.org/10.1080/17496772.2020.1735131>
- Mudde, C. (2004). The populist zeitgeist. *Government and Opposition*, 39(4), 541-563. <https://doi.org/10.1111/j.1477-7053.2004.00135.x>
- Novitz, D. (1989). Ways of artmaking: the high and the popular in art. *The British Journal of Aesthetics*, 29(3), 213-229. <https://doi.org/10.1093/bjaesthetics/29.3.213>
- Nurnazar, P., & Atabek, S. (2021). Mass culture: towards the essence of the concept. *Journal of Pedagogical Inventions and Practices*, 1, 40-43.

- Ozler, H., & Kizilelma, S. (2023). Symbolic Design and Kitsch Production in Architecture in A Hyperreal Postmodern Context. *Digital International Journal of Architecture Art Heritage*, 2(1), 30-49.
- Safdarian, G. (2020). A comparative study on pop, elite and folk art. *International journal of Architecture and Urban Development*, 10(3), 61-68. <https://doi.org/10.30495/ijaud.2020.15954>
- Shannon, S. (2002). Critical appraisal of systematic reviews. *Canadian Association of Radiologists Journal*, 53(4), 195.
- Tzonis, A. C., & Lefaivre, L. (2005). In the name of the people; the populist movement in architecture. In T.R. Bacon (Ed.), *What People Want: A Manager's Guide to Building Relationships That Work* (pp. 298-305). Birkhäuser. https://doi.org/10.1007/3-7643-7673-2_23
- Wang, B., Liu, S., Zheng, F., & Zhong, M. (2020). Research on the application of pop art in modern architectural form design. In *IOP Conference Series: Earth and Environmental Science*, 495 (1), 1-6. <https://doi.org/10.1088/1755-1315/495/1/012049>
- Wexman, V. (1971). Pop: the new architecture. *Sondings: An Interdisciplinary Journal*, 54(2), 191-201.
- Wilensky, H. L. (1964). Mass Society and Mass Culture: Interdependence or Independence?. *American Sociological Review*, 29(2), 173-197. <https://doi.org/10.2307/2092122>
- Winston, A. S. (1995). Simple pleasures: The psychological aesthetics of high and popular art. *Empirical Studies of the Arts*, 13(2), 193-203. <https://doi.org/10.2190/U40C-QXB0-4RXQ-8PQ0>
- Winston, A. S., & Cupchik, G. C. (1992). The Evaluation of High Art and Popular Art By Naive and Experienced Viewers. *Visual Arts Research*, 18(1), 1-14. <http://www.jstor.org/stable/20715763>

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
منصورپور، مجید و مطلبی، قاسم. (۱۴۰۳). واکاوی ابعاد و ویژگی‌های معماری عامه‌پسند در دوره معاصر. *باغ نظر*, ۲۱(۱۳۷)، ۳۷-۵۰.

DOI: 10.22034/BAGH.2024.454680.5599
URL: https://www.bagh-sj.com/article_206649.html

